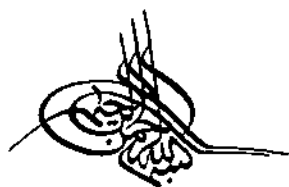


بیتنه

منتخبی از اشعار:
فاروق ضیائی
به گویش اوزی

www.ketab.ir

انتشارات نوید شیراز



سرشناسه	: ضیائی، فاروغ، ۱۳۲۴-
عنوان و نام پدیدآور	: بسته/منتخبی از اشعار فاروق ضیائی.
مشخصات نشر	: شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۴ ص: مصور (بخش رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۸-۸۴۵-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: شعر آوزی
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ض ۹۸۴۳/الف PIR۳۲۸۶
رده بندی دیویی	: ۸۹۹/۹۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۷۹۰۲۱۷



بسته

منتخبی از اشعار فاروق ضیائی

طرح جلد: کانون تبلیغات کلید □ لیتوگرافی و چاپ: واصف □ شیراز: ۲۰۰۰ جلد

چاپ اول: ۱۳۹۰ □ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن ۲۲۶۶۶۱-۶۲ نمابر ۲۲۲۹۶۷۶-۰۷۱۱ □ ص.پ.: ۷۱۳۶۵/۶۶۶

دفتر تهران - تلفن ۸۸۹۰۵۹۴۵ نمابر ۸۸۹۲۱۵۲۲-۰۲۱

پست الکترونیکی: Navid_Publication@Yahoo.com

وب سایت: www.navidshiraz-pub.com

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۵۸-۸۴۵-۸ ISBN: 978-964-358-845-8

۵۲۰۰ تومان

مقدمه

در سال ۱۳۲۴ خورشیدی در اَوَز به دنیا آمدم . سرزمینی که به خاطر گرمای زیاد و کم آبی آن ، در بیشتر اوقات فصل های سال ، زمینی مناسب کشت نداشته و مردم آن نیازهای خود را به سختی از زمین تامین می کردند . سرزمینی که از سال های خیلی دور مردانش برای تامین معاش خانواده مجبور بودند به سفر بروند و سال های زیادی را دور از خانه و خانواده به سر برند و این سفرها و دور بودن از خانواده هنوز هم در بسیاری از خانواده های اَوَز ادامه دارد.

در آن سال ها به علت سختی راه و نبودن وسایل حمل و نقل سریع ، معمولاً پدرهای خانواده سال ها دور از خانه و در آرزوی بازگشت و دیدار وطن بودند . چنین غربتی برای پدر و برای تک تک افراد خانواده بسیار دشوار بود و روزهای زندگی را به امید دیدار دوباره و با هم بودن می گذراندند . در چنین روزهایی معمولاً افراد وابسته به خانواده و فامیل در اَوَز به مهربانی ، مراقب و همراه یکدیگر بودند .

در خانواده ما نیز چون سایر اَوَزی ها ، از یک صد سال پیش جد ، پدربزرگ ، پدر و عموها در بیرون از وطن مجبور به کار و تامین معاش بودند و من نیز در سنین نوجوانی همراه پدر عازم سفر شدم . سفری که

همه خاطرات کودکی و عشق به سرزمین مادری را همیشه با خود داشت .
همه روزهای کار و سختی غربت را به امید بازگشت به وطن و دیدار
عزیزان سپری کردم و رویای بازگشت ، انگیزه بیشتری را برای کار و
تلاش بیشتر فراهم می کرد .

دوران کودکی را در اؤز گذراندم و از سن ۵ سالگی خواندن قرآن را
نزد پدر و در مکتب خانه آموختم . دوره ابتدایی را در مدرسه حاج
محمد رحیم ، مدرسه بدری و مدرسه هوشیار گذراندم . در نوجوانی پس
از سفر به بیبی خواندن زبان انگلیسی را در آنجا و زبان عربی را در مدارس
قطر و کویت و همچنین زبان آلمانی را در کویت آموختم . از همان دوره
نوجوانی در کنار پدر به کار مشغول شدم و بیش از ۴۰ سال نمایندگی
شرکت ها را در فروش پارچه عهده دار و در رشته های مختلف تجاری
نیز مشغول بودم . در طی این سال ها آرزوها و رویای دیدار از وطن را در
قالب شعر می سرودم و این اشعار همراه روزهای غربت من بود .

مجموعه اشعاری که در این کتاب تقدیم می شود حکایت چنین
غربتی است . عشق به وطن برای کسانی که مجبور به ترک دیار بودند ،
موجب می شد که نتیجه کار و تلاش و سرمایه های حاصل از این رنج
برای راحتی و رفع نیازهای خانواده و شهرمان باشد و در طی این سال ها
بیشتر همشهریان ما که در غربت مجبور به کار و تلاش بودند با کمک های
مالی بی دریغ خود توانستند بسیاری از تاسیسات شهری از جمله
بیمارستان و مدارس و خیابان ها و دانشگاه و ورزشگاه و بسیاری دیگر از
نیازهای شهری را با سرمایه های خود تامین کنند . شاید بتوان گفت
این موضوع یکی از خصوصیات مردم در لارستان است که بیشتر نیازهای
اهالی آن، تنها با همیاری و کمک مردمش تامین شده و می شود .

این کتاب را تقدیم می کنم به همه مردم صبور اؤز و به همه کسانی
که با کارهای عام المنفعه خود هدفی جز رضای خدا و خدمت به خلق

خدا ندارند . آنچه ما در طی این سال های سخت آموختیم تجربه یی بس گرانبه‌است و افتخار مردم اَوَز در این است که برای انجام دادن کارهای خیر و عام‌المنفعه از یکدیگر سبقت گرفته و حتی به هم حسادت می‌ورزند تا مبدا کاری که انجام داده‌اند چندان قابل توجه نباشد . وجود چنین احساسی که بتواند تمام تلاش و کوشش و سرمایه‌های مادی و معنوی مردم را به وطن بازگرداند نعمتی است بس گرانبه‌ا که آثار آن را در آبادانی این سرزمین می‌توان شاهد بود .

این مجموعه اشعار با نام « بُسْتَنَه » اولین قسمت از مجموعه شعرهایی است که منتشر می‌شود . امیدوارم بتوانم در پی انتشار این کتاب ، بقیه اشعار خود را نیز به صورت مجموعه دیگری در قالب کتابی با نام « کورُستَنَه » به چاپ برسانم .

اگر چه امروزه دیگر شیوه زندگی در اَوَز تغییر کرده و زحمات چنین مردمی سخت کوش موجب شده که اَوَز شهری آباد و زیبا باشد و فرزندان این منطقه محرومیت و سختی زندگی گذشته را نداشته باشند . اما ثبت گذشته‌ای که در پشت سر گذاشته‌ایم هم وظیفه فرهنگی ماست و هم آینه‌یی است تا خود را در آن ببینیم و به آنچه داریم شاکر باشیم .

فاروق ضیائی

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۰۳	اوز خیمه خشاخشیه	۱۵	بسم الله الرحمن الرحيم
۱۱۲	خواهی خش	۱۸	وطن
۱۲۱	جر و بجای خش	۲۱	تاریخ اوز
۱۳۱	سفر	۳۳	مسافرتی به اوز
۱۳۷	نامه رسین	۴۱	خونه اوز
۱۴۱	صحب شفق	۴۷	مادر
۱۴۷	چویه	۵۲	اوز شهر اما شهر خشیه
۱۵۴	تاته	۶۰	ای بستیه کورستیه
۱۵۹	لالایه	۷۱	هر سنگ اوز
۱۶۵	آرزو	۷۶	وعده اما
۱۷۱	دلبر	۸۱	کوه
۱۸۱	کنجلیکه	۹۸	شلوا

۲۱۴ وادع مادر

۲۱۹ آتشِ محبت

۲۲۳ خرید

۲۳۲ شکرِ خدا برو آینه

۱۸۷ زهده صَحرو

۱۹۱ ماشینِ مَشْتِیِ مَنَدَلِی

۱۹۹ عَشْکِ و روح

۲۰۴ کَسَبِک

۲۱۱ دَمِ گاراچ

www.ketab.ir